

بررسی ترجمه مقوله‌های فرهنگی در کتاب «شما که غریبه نیستید»، اثر هوشنگ مرادی کرمانی با تکیه بر چهارچوب نظری پیتر نیومارک

مقاله پژوهشی

سارا طباطبایی (نویسنده مسئول)^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مهشاد اشراقی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

ترجمه از ابتدای وجود زبان وجود داشته است و زبان و ترجمه همواره با هم در تعامل بوده‌اند. از این رو، ترجمه ابزاری مهم برای ایجاد و تقویت ارتباط بین کشورهای جهان به شمار می‌رود. ترجمه و به‌ویژه ترجمه مقولات فرهنگی دارای اهمیت فراوانی در تبادل روش‌های گوناگون تفکر و زندگی در جهان است. این تحقیق با هدف ارزیابی کیفیت انتقال عناصر فرهنگی موجود در ترجمه کتاب شما که غریبه نیستید از هوشنگ مرادی کرمانی انجام شده است و برای نیل به این هدف از نظریه‌های پیتر نیومارک بهره‌جسته‌ایم؛ زیرا او به‌ویژه برای تأملات خود درباره انتقال معنا و فرهنگ شناخته می‌شود و نظریات او بیش از دیگران بر ترجمه و موضوعات بینا فرهنگی تمرکز دارد. با کمک جستن از این چهارچوب نظری و از طریق مقایسه متون، به بررسی راهبردهایی می‌پردازیم که مترجم، میترا فرزاد، برای ترجمه این متن به کار برده است و میزان بسامد آنها را بررسی می‌کنیم. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش توصیفی تحلیلی بیانگر این مطلب است که در ترجمه اصطلاحات و عناصر فرهنگی این کتاب، مترجم بیشتر از روش‌های کاهش، بسط و معادل توصیفی بهره برده تا منظور خود را به مخاطب فرانسه زبان برساند که این خود ترجمه‌ای مخاطب‌محور و یا مقصدگرا را به‌رغم تلاش برای وفاداری به فرهنگ و متن مبدأ نشان می‌دهد. کلیدواژه‌ها: نیومارک، عناصر فرهنگی، هوشنگ مرادی کرمانی، شما که غریبه نیستید، میترا فرزاد، مطالعات ترجمه.

^۱. E-mail: S_tabatabaei@sbu.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2021.70246.1010>
<https://orcid.org/0000-0002-5947-2534>

۱. مقدمه

بر اساس داده‌های تاریخی، ترجمه از زمان وجود زبان‌ها انجام شده است. امروزه، ترجمه هنوز وسیله‌ای اساسی برای ایجاد و تقویت ارتباط بین کشورهای جهان است. بنابراین، ترجمه و به‌ویژه ترجمه مقولات فرهنگی دارای اهمیت فراوانی در انتقال روش‌های مختلف تفکر و زندگی در جهان است و علاوه بر تسلط بر زبان مبدأ، تسلط بر فرهنگ و زبان مقصد یکی از اصلی‌ترین شرایط موفقیت مترجم است.

ارتباط متقابل و هم‌پوشانی عناصر فرهنگی زبانی ما را وادار می‌کند تا نگاه دقیق‌تری به مسئله فرهنگ داشته باشیم. فرهنگ همواره موضوعی بحث‌برانگیز بوده است. از این رو، تعاریف متنوعی به آن نسبت داده شده است؛ اما به‌طور کلی می‌توان فرهنگ را «همه ویژگی‌های مادی و ایدئولوژیکی تعریف کرد که یک قوم یا یک ملت، یک تمدن را از گروه یا ملت دیگر تمایز می‌دهند»؛ فرهنگ همواره به‌عنوان «نماد تمدن»، «سبک زندگی» (کتن^۲، ۱۹۹۹: ۷۶) و یا «علمی که کودک در آن کودک متولد شده، شکل گرفته و رشد می‌کند» تعریف می‌شود (کتن، ۱۹۹۹: ۸۲). در نتیجه، «اختلافاتی را بین خود و افراد دیگر در جوامع دیگر احساس می‌کند». زبان و فرهنگ هر فرد بخشی از هویت و همچنین وابستگی‌های اجتماعی و شخصی آنهاست و عنصر بنیان‌گذار و اصلی فرهنگ است. فرهنگ در تعامل مداوم با جامعه پیرامونی است. هنجارها، اعتقادات، ایدئولوژی‌ها و سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی به‌نوعی فرهنگ را شکل می‌دهند (کرامش^۳، ۱۹۹۸: ۳). به گفته ساپیر^۴ زبان در درون فرهنگ شکل می‌گیرد، اگر همه چیز زمینه‌ای داشته باشد، فرهنگ پایه و بنیان زبان است.

افراد یک جامعه معین، با توجه به انتظارات غالب در فرهنگ خود، برداشت‌های متفاوتی از متون ترجمه دارند و با ایجاد پیوندهای قوی بین مفاهیم آشنا (دانش قبلی) و مفاهیم جدید، موفق به رمزگشایی و درک متن ترجمه‌شده می‌شوند. همچنین باید گفت که شبکه‌های مفهومی پایدار نیستند و با توجه به تغییرات تاریخی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، عقیدتی و فرهنگی تغییر می‌کنند. بنابراین این الگوهای ذهنی، ایدئولوژی‌ها و اعتقادات فرهنگ خود را تکرار می‌کنند؛ اما به‌طور کلی، ما درمی‌یابیم که آنها پیوندهای قابل توجهی با شبکه‌های مفهومی جوامع

² KATAN

³ KRAMSCH

⁴ Sapir

دیگر دارند. در این حالت، هرچه همگرایی این شبکه‌های مفهومی بین دو فرهنگ بیشتر باشد، موفقیت ترجمه بین متن مبدأ و متن هدف نیز موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. (بسنن و لُفور^۵، ۱۹۹۸: ۱۲۰).

در ادامه مسئله زبان و فرهنگ، یک واقعیت مشکل‌ساز دیگر باقی مانده است که باید به آن پرداخت و آن اختلاف میان ایده مطرح‌شده در متن و برداشت شخصی مترجم از متن است که بیشتر اوقات به دلایل زیر اتفاق می‌افتد: ناآگاهی مترجمان نسبت به ویژگی‌های فرهنگ مبدأ که در فرهنگ خود آنها وجود ندارند یا عدم درک وضعیت توصیف‌شده در متن مبدأ و غیره.

بنابراین یک ترجمه می‌تواند به‌عنوان یک متن دستکاری‌شده از نظر فرهنگی و هویتی از زبان مبدأ برای اهداف سیاسی و تجاری در فرهنگ مقصد استفاده شود و یا برعکس، می‌تواند دستاوردی در جهت کشف یک فرهنگ جدید باشد.

هدف جستار پیش رو تجزیه و تحلیل ترجمه و بررسی کیفیت انتقال عناصر و مفاهیم فرهنگی موجود در رمان شما که غریبه نیستید ترجمه‌شده به *"vous n'êtes pas sans savoir"* است. این اثر هوشنگ مرادی کرمانی، رمان‌نویس معاصر ایرانی، از زبان فارسی به فرانسه ترجمه شده و مترجم آن میترا فرزاد است. در راستای تحقق هدف پژوهش از نظریات پیتر نیومارک درباره نحوه انتقال مؤلفه‌های فرهنگی بهره خواهیم جست؛ زیرا نظریات ترجمه‌شناختی او بیش از دیگر نظریه‌پردازان ترجمه معطوف است بر اهمیت شناخت مقوله‌های فرهنگی و تأثیر نحوه انتقال آنها بر میزان موفقیت یک اثر ترجمه‌شده. از این رو، به ترتیب، ابتدا فرضیه‌ها و سپس مسئله اصلی این پژوهش با استناد به نظریه ترجمه‌شناختی مقوله‌های فرهنگی نیومارک عبارتند از:

۱. مهم‌ترین عناصر فرهنگی موجود در متن مورد مطالعه کدامند؟
 ۲. آیا مترجم ارزش و اهمیت فرهنگی این عناصر را تشخیص داده و سعی در انتقال آنها در ترجمه خود داشته است تا به این ترتیب ویژگی‌های فرهنگ ایرانی و آداب و رسوم خاص یک منطقه از ایران را به مخاطب فرانسه‌زبان خود بشناساند؟
 ۳. مترجم هنگام ترجمه عناصر فرهنگی چه مواردی را نادیده گرفته است و آیا این حذفیات زبانی هستند یا فرازبانی؟
 ۴. پرسش اصلی اینکه از میان روش‌های انتقال معنا که نیومارک معرفی کرده است، کدام یک می‌تواند مؤثرترین روش در ترجمه و انتقال عناصر و اصطلاحات فرهنگی موجود در رمان مورد مطالعه این جستار باشد؟
- برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های مطرح‌شده ابتدا موضوع رمان، نویسنده و مترجم آن را به‌طور کامل معرفی خواهیم کرد. سپس با توجه به اینکه روش تحلیل مبتنی بر کاربرد نظریه‌های نیومارک خواهد بود، به بازنمایی

⁵ BASSNETT, S. et LEFEVERE

نظریه‌های او خواهیم پرداخت، دسته‌بندی مقولات فرهنگی او را معرفی و راهکارهایی را که برای انتقال این مقوله‌ها ارائه داده است، به‌اختصار توضیح خواهیم داد و سرانجام در بخش تحلیل داده‌ها، فرآیندهایی را که مترجم رمان برای ترجمه ویژگی‌های فرهنگ ایرانی انتخاب کرده است، مطالعه خواهیم کرد. در این فصل نمونه‌هایی از ویژگی‌های قابل توجه فرهنگ ایرانی را برجسته‌سازی می‌کنیم تا ببینیم مترجم کدام فرآیند را در ترجمه آن به کار گرفته و آیا با کاربرد چنین فرآیندی، در انتقال «معنا» و شناساندن فرهنگ و آداب و رسوم کشورمان موفق بوده است یا خیر؛ به‌عبارت‌دیگر، در این تحقیق که بر اساس نظریه‌های نیومارک در ترجمه مقولات فرهنگی انجام می‌پذیرد، برآنیم چالش‌ها و دشواری‌های ترجمه فرانسوی رمان هوشنگ مرادی کرمانی را از نزدیک مطالعه کرده و کیفیت ترجمان آنها به زبان فرانسه را بررسی کنیم. این بررسی و تحلیل بر مبنای مقایسه کامل و خطبه‌خط میان متن مبدأ و متن هدف انجام خواهد گرفت.

۲. پیشینه پژوهش

نظریه‌های پیتر نیومارک اغلب در جوامع انگلیسی زبان بررسی و کاربست شده و منابع به زبان فارسی، در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های ایران اندک هستند. بنابراین، برای این پژوهش نه تنها منابع اندک موجود به زبان فارسی در سایت‌ها و مجلات داخلی را مطالعه و مورد استناد قرار دادیم؛ بلکه به‌خصوص از کتاب‌های او به زبان انگلیسی بهره برده و مطالب مورد نیاز را استخراج و ترجمه کرده‌ایم؛ اما نقطه قوت و حائز اهمیت جستار حاضر در این است که منتقدان ترجمه هرگز نسخه فرانسوی کتاب *“Vous n’etes pas sans savoir”* را مورد توجه قرار نداده‌اند و به نظر می‌رسد که تحقیقات کمی بر روی این کتاب و ترجمه فرانسه آن و به‌ویژه از فارسی به فرانسه انجام شده است که خود گویای لزوم انجام پژوهش پیش رو و نشانگر جنبه نوآورانه آن است که با روش تحلیل و بررسی داده‌های بینا فرهنگی بررسی شده است؛ اما از پژوهش‌های ترجمه‌شناختی طبق نظریه نیومارک می‌توان از پژوهش‌های زیر نام برد:

- « ترجمه فرانسوی اصطلاحات و مقوله‌های فرهنگی عادت می‌کنیم اثر زویا پیرزاد براساس دیدگاه مونا بیکر و پیتر نیومارک». وجیهه سادات مهدوی و اکرم آیتی. (۱۳۹۸). پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره دوم.
 - « ترجمه عناصر فرهنگی از زبان فارسی به زبان فرانسه: تحلیل و بررسی ترجمه نشانه‌های فرهنگی در داستان مهمان مامان اثر هوشنگ مرادی کرمانی». مرضیه اطهاری نیک عظم و مینا بلوکات. (۱۳۹۲). مطالعات زبان و ترجمه، سال چهارم و ششم.
- که با رویکرد معناشناسی انجام شده است.

و به زبان‌های دیگر می‌توان از مقالات زیر نام برد:

- «چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در رمان اللّصّ والکلاب نجیب محفوظ؛ مقایسه دو ترجمه با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک». نوشته کبری روشنفر و همکاران. (۱۳۹۲). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال سوم.

در این تحقیق علاوه بر نقش فرهنگ و رویکردهای ترجمه، روش‌های ترجمه عناصر فرهنگی از دیدگاه نیومارک برشمرده می‌شود و سپس به تجزیه و تحلیل و بررسی جملات ترجمه شده و صحت آن پرداخته می‌شود.

- «مقوله‌ها و عناصر فرهنگی و چگونگی ترجمه آنها در گنسی بزرگ. ترجمه کریم امامی». نوشته علی علیزاده. (۱۳۸۹). پژوهش ادبیات معاصر جهان. دوره پانزدهم، شماره ۵۹.

نویسنده این مقاله با استفاده از دسته‌بندی نیومارک به بررسی شخصیت‌های اصلی داستان پرداخته و در نهایت بهترین روش، ترجمه تلفیقی معرفی شده است.

- «ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در اشعار سهراب و فروغ با تکیه بر چهارچوب نظریه نیومارک». نوشته بلقیس روشن و روح‌الله افراه. (۱۳۹۲). دوره سوم، ۱۳-۳۴.

در این تحقیق علاوه بر نقش فرهنگ و رویکردهای ترجمه روش‌های ترجمه عناصر فرهنگی از دیدگاه نیومارک بر شمرده می‌شوند و سپس به تجزیه و تحلیل و تطبیق آن در اشعار سهراب و فروغ پرداخته می‌شود.

- «چگونگی ترجمه‌پذیری عنصر فرهنگی « نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم» در ترجمه‌های عربی به فارسی با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک». نوشته فاطمه کیادربندسری و حامد صدقی. (۱۳۹۶). ادب عربی، دوره نهم، شماره ۲، ۱۹۹-۲۱۶.

نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که به‌رغم اینکه عنصر فرهنگی «نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم» با اصطلاحات و تعابیر سیاسی، مذهبی، تاریخی و هنری زیادی مواجه است، این مترجمان توانسته‌اند به خوبی با استفاده از روش «معادل فرهنگی» از عهده ترجمه آن برآیند. با این حال، استفاده کمتر آنها از روش‌های مهمی چون روش «تلفیقی» و «یادداشت‌ها، اضافات و توضیحات» باعث ضعف و ابهام در ترجمه‌شان شده است.

۳. مورد مطالعاتی تحقیق

شما که غریبه نیستید عنوان رمانی بر اساس زندگی نامه هوشنگ مرادی کرمانی، یکی از نویسندگان بزرگ ادبیات کودک و نوجوان ایرانی است که به مرور زمان از کودکی توسط او نگاشته شده است. بیشتر اتفاقاتی که در زندگی راوی رخ می‌دهد، سخت است و فقر مادی و فقر فرهنگی در هم آمیخته است. او زندگی سخت و محیط یکنواخت و خسته‌کننده خود را با بازی‌های بچه‌گانه تنوع می‌بخشد. گاهی اوقات او در دنیای خیال خود شاد است. خواندن و نوشتن بهترین سرگرمی او است. در آستانه نوجوانی در سیرچ کرمان در خانه پدر بزرگ بزرگ می‌شود، شیوه زندگی را می‌آموزد و تسلیم شرایط نمی‌شود و در هر صورت به هدف خود می‌اندیشد.

شما که غریبه نیستید در سال ۲۰۰۵ توسط شورای کتاب کودک انتخاب شد و در سال ۲۰۰۶ در فهرست کلاغ سفید کتابخانه بین‌المللی کودکان حضور یافت.

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده برجسته ایرانی در حوزه کودکان و نوجوانان است. او در ۱۶ شهریور ۱۳۲۳ در سیرچ (روستایی بیابانی در استان کرمان) متولد شد و در غیاب پدر و مادرش توسط پدر بزرگ و مادر بزرگش بزرگ شد و تحصیلات خود را در سیرچ، کرمان و تهران به پایان رساند. مرادی کرمانی تا پایان سال پنجم در روستای خود ماند. پس از پایان دوره دبستان به کرمان نقل مکان کرد و پس از پایان دوره دبیرستان به تهران مهاجرت کرد، در رشته هنرهای نمایشی در تهران تحصیل کرد و در رشته ترجمه انگلیسی مدرک لیسانس گرفت. بسیاری از آثار او به زبان‌های دیگر مانند انگلیسی، آلمانی، اسپرانتو، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، عربی و ارمنی ترجمه شده و چندین فیلم از آثار او به تصویر در آمده است.

میترا فرزاد، مترجم اثر، در ایران متولد شد و در سن ۱۷ سالگی در خارج از کشور اقامت گزید (ابتدا در انگلستان، سپس در ایالات متحده و دست آخر در فرانسه). او در تهران در مدرسه ژان دارک زبان فرانسه را آموخت و پس از فارغ‌التحصیلی، به انگلیس رفت. میترا فرزاد تحصیلات دانشگاهی خود را در زمینه ریاضیات، علوم کامپیوتر و اقتصاد ادامه داد و سرانجام به رشته ادبیات، برگزیده خود روی آورد و از دانشگاه نیو سوربن دکترای ادبیات انگلیسی گرفت. این مترجم ایرانی مسلط به فرانسه و انگلیسی است و تاکنون آثاری از هوشنگ مرادی کرمانی، محمدعلی موحد، افشین یداللهی و ... را به فرانسه‌زبانان معرفی کرده است. فرزاد تعلق خاطر فراوانی به ایران و زبان و ادبیات فارسی دارد که باعث شده است شعرهای بسیاری از ادبیات باستان ما را در حافظه داشته باشد. او ترجمه، تفسیر و سپس تدریس را به‌عنوان حرفه برگزیده است.

۴. چهارچوب نظری

نظریه‌های ترجمه ساختارهای مفهومی هستند که برای توصیف، توضیح یا مدل‌سازی متن ترجمه‌شده یا

فرآیند ترجمه استفاده می‌شوند، درحالی‌که رویکردهای ترجمه تلاش می‌کنند ترجمه را به دیگر رشته‌های مستقر پیوند دهند و آن را بین‌رشته‌ای معرفی کنند، این نظریه‌ها به‌منظور استقلال مطالعات ترجمه و توسعه آن به کار می‌روند.

همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم، نظریه ترجمه‌شناختی نیومارک در درجه اول بر مسئله انتقال عناصر فرهنگی در ترجمه متمرکز است و به همین دلیل و در راستای هدف، فرضیه‌ها و پرسش اصلی پژوهش، آن را به‌عنوان چهارچوب نظری و روش تحقیق برگزیدیم.

۱.۴. پیتر نیومارک و نظریات او

پیتر نیومارک (۲۰۱۱-۱۹۱۶) استاد انگلیسی ترجمه در دانشگاه ساری^۶ بود. او همچنین مترجم مشهور انگلیسی، نظریه‌پرداز ترجمه و یکی از نمایندگان نظریه ترجمه مکتب زبان‌شناسی در غرب بود. سه اثر اصلی او رویکردهای ترجمه^۷ (۱۹۸۱)، کتاب درسی ترجمه^۸ (۱۹۸۸) و درباره ترجمه^۹ (۱۹۹۱) کل نظریه او را گرد هم آورده است. نیومارک به دلیل کاربردی‌بودن «نظریه معنایی و ارتباطی ترجمه‌اش» شناخته شده است؛ اما نظریه معنایی و ارتباطی ترجمه چیست؟

به گفته وی «روشهای ترجمه مربوط به متن‌های کامل است، روشهای ترجمه برای جملات و واحدهای کوچک زبان استفاده می‌شود» (نیومارک، ۱۹۸۸: ۶۸). نیومارک عمل ترجمه را به معنای انتقال معنای متن، از یک زبان به زبان دیگر، در درجه اول با مراقبت از معنای عملکردی تعبیر می‌کند. او بحث و جدال فعلی مربوط به تعارض ترجمه آزاد و تحت‌اللفظی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. از نظر او، اگر نظریه ترجمه اصرار دارد که درباره موضوع هم‌ارزی بحث کند، این معادل‌سازی متن به متن است و فقط کلمه‌به‌کلمه نیست.

او دو نوع ترجمه را در نظر می‌گیرد؛ معنایی و ارتباطی، اگرچه ادعا می‌کند که بیشتر متون به ترجمه ارتباطی و نه ترجمه معنایی احتیاج دارند. ترجمه معنایی سعی دارد تا آنجا که ممکن است، همان تأثیری را که روی مخاطب متن اصلی دارد، بر روی مخاطب متن ترجمه داشته باشد؛ «ترجمه معنایی می‌کوشد معنای متنی اصلی را تا آنجا که ساختارهای نحوی و معنایی زبان دوم اجازه می‌دهد، منتقل کند». (نیومارک، ۱۹۸۱: ۳۹). بنابراین، ترجمه معنایی بر نویسنده متن مبدأ تأکید دارد، درحالی‌که ترجمه ارتباطی به سمت

^۶ Surrey

^۷ Approaches to Translation

^۸ A Textbook of Translation

^۹ About Translation

گیرنده پیام در زبان مقصد اشاره دارد؛ اما آنچه به مطالعه ما مربوط می‌شود، نظریه ارتباطی ترجمه خواهد بود.

ترجمه معنایی شامل متون سیاسی، زندگی‌نامه و غیره است، درحالی‌که ترجمه ارتباطی می‌تواند متون فنی، داستان‌ها و رمان‌ها و غیره را شامل شود. با استفاده از این نظریه، برای بازتولید اثری یکسان بر مخاطب متن ترجمه تلاش می‌شود که متن اصلی بر روی خوانندگان زبان مبدأ ایجاد می‌کند. نیومارک ترجمه ارتباطی را با عبارات زیر تعریف می‌کند:

“ La traduction communicative tente de produire sur ses lecteurs un effet aussi proche que possible de celui obtenu sur les lecteurs de l'original...”

ترجمه ارتباطی تلاش می‌کند تا جایی که ممکن است، تأثیری که متن بر خوانندگان نسخه اصلی دارد، نزد خوانندگان خود ایجاد کند (نیومارک، ۱۹۸۱: ۳۹).

طبق گفته نیومارک می‌توان دریافت که برای تحقق ترجمه‌ای متناسب با نظریه او؛ یعنی ترجمه ارتباطی، ترجمه باید تأثیری مشابه متن مبدأ بر خواننده اثر در زبان مقصد بگذارد. از مهم‌ترین عواملی که باعث می‌شود این امر به تحقق پیوندد، مقوله‌های فرهنگی و ترجمه آنهاست؛ به‌گونه‌ای که خواننده در صورت مواجهه با تفاوت‌های فرهنگی احساس دوری نکند و آنها را بفهمد. از این‌رو، نظریه نیومارک در این پژوهش راهنمای ماست و با اهداف پژوهش ما هم‌راستا است.

۲.۴. روش‌های ترجمه

اصطلاحات و عبارات موجود در متن خوانندگان را با فرهنگ و آداب و رسوم آشنا می‌کند. به همین دلیل مترجم مسئولیتی خطیر برعهده دارد و اشتباهات او موجب ابهام و کج‌فهمی خواهد شد. در صورتی که انتقال معنی یک کلمه یا عبارت دشوار باشد، نیومارک روش‌های مختلفی را برای ترجمه متون ارائه می‌دهد، از جمله نحوه کار در صورت ایجاد مشکل یا مراحلی که هنگام ترجمه باید از آن پیروی کرد. هورتادو البیر^{۱۰} مترجم اسپانیایی فرآیند یا روش را « اتفاقاتی در طول ترجمه» تعریف می‌کند. این فرآیندها و یا روش‌ها شامل مجموعه‌ای از سازوکارها و حقایقی است که مترجم از زمان خواندن متن و برداشت خود از متن در حال ترجمه تا زمان انتقال آن به زبان دیگر دارد. نیومارک یک تکنیک قبل از ترجمه پیشنهاد می‌کند؛ او مانند بسیاری ترجمه‌شناسان دیگر پیشنهاد می‌کند که قبل از شروع ترجمه مترجم این دو مرحله؛ یعنی درک مطلب و تغییر فرم جملات را انجام دهد و سپس به فرآیندهای ترجمه بپردازد. او یک طبقه‌بندی نسبتاً جامع از

¹⁰ Hurtado-Albir

مشکلات ترجمه و فرآیندهای ترجمه ارائه می‌دهد که سعی خواهیم کرد به صورت موجز و مؤثر به معرفی آنها بپردازیم.

(۱) **ترجمه تحت‌اللفظی**^{۱۱}: این فرآیند شامل تکرار ساختارهای دستوری متن مبدأ در متن مورد نظر و ترجمه متن به صورت کلمه‌به‌کلمه است؛ صرف نظر از اینکه نتیجه در متن منطقی به نظر برسد یا خیر، این فرآیند برای نیومارک حائز اهمیت است. او در سال ۱۹۸۸ یک فصل کامل را به این روند اختصاص داده است. برای او ترجمه تحت‌اللفظی فرآیندی است که وقتی اصطلاحی فنی، شفاف با مفهوم معنایی مشخص وجود دارد، به کار می‌آید و استفاده از آن ضروری است. برای نیومارک، اصطلاح «تحت‌اللفظی» معنای مضاعف یک فرآیند را دارد که باید به طور دقیق استفاده شود و یک روش کلی ترجمه است؛ در واقع همان چیزی است که او آن را ترجمه معنایی می‌نامد. از نظر نیومارک، اگر ترجمه تحت‌اللفظی قابل درک نباشد، با وجود این، باید آن را حفظ کرد؛ زیرا چندین بار خواندن آن را قابل فهم می‌کند.

(۲) **وام‌واژه**^{۱۲}: وام‌گرفتن (انتقال، رونویسی) فرآیند انتقال کلمه زبان مبدأ به متن زبان مقصد است. وام‌گیری در ترجمه به طور کلی زمانی استفاده می‌شود که اسامی همه افراد، نام‌های جغرافیایی و توپوگرافی، نام روزنامه‌ها، عناوین آثار ادبی، نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌ها هنوز در زبان مقصد ترجمه نشده باشد؛ مانند نام شرکت‌ها و نام نهادهای عمومی یا ملی، نام خیابان، آدرس، نام یا اشیا ناشناخته در زبان مقصد و کلمات تخصصی هر حرفه. هدف از این فرآیند آوردن دقیقاً یک کلمه از زبان مبدأ به زبان مقصد است.

(۳) **طبیعی‌سازی**^{۱۳}: این فرآیند فرآیند قبلی را دنبال می‌کند. این فرآیند زمانی به کار می‌رود که وام‌واژه انجام شده؛ اما مترجم تلفظ کلمه زبان مبدأ را با تلفظ طبیعی زبان مقصد تطبیق می‌دهد و یا شکل آن واژه را با زبان مقصد تطبیق می‌دهد.

(۴) **معادل فرهنگی**^{۱۴}: وقتی یک کلمه فرهنگی از زبان مبدأ به کلمه فرهنگی زبان مقصد ترجمه می‌شود، این ترجمه تقریبی است که در آن یک کلمه فرهنگی از زبان مبدأ به یک

¹¹ Traduction littérale

¹² Emprunt

¹³ Naturalisation

¹⁴ Équivalent culturel

کلمه فرهنگی از زبان مقصد ترجمه می‌شود. بنابراین، در این روش از معادل‌های تقریبی فرهنگی استفاده می‌کنیم؛ اما استفاده از آنها در ترجمه محدود است؛ زیرا دقت کافی وجود ندارد.

(۵) **معادل کاربردی**^{۱۵}: این رویه رایج در کلمات فرهنگی اعمال می‌شود که به معنای استفاده از یک کلمه آزاد از فرهنگ است؛ یعنی مترجم از کلمه‌ای با بار فرهنگی خنثی استفاده می‌کند یا آن کلمه را تعمیم می‌دهد. روال مشابه هنگامی استفاده می‌شود که معادل یک کلمه فنی در زبان مبدأ در زبان مقصد نباشد و اغلب با وام‌واژه ترکیب می‌شود.

(۶) **معادل توصیفی**^{۱۶}: در ترجمه گاهی اوقات توصیف باید به عملکرد ترجیح داده شود و یک کلمه بومی باید توضیح داده شود.

(۷) **مترادف**^{۱۷}: فرآیندی است که برای کلمه زبان مبدأ استفاده می‌شود در جایی که معادل یک‌به‌یک در زبان مقصد وجود نداشته باشد و کلمه دقیق برای متن مورد نیاز نباشد، در این حالت ما از مترادف آن استفاده می‌کنیم. مترادف به‌ویژه برای صفت یا قید کیفیت استفاده می‌شود.

(۸) **گرفته‌برداری**^{۱۸}: درون ترجمه^{۱۹} اصطلاحی است که نیومارک برای گرفته‌برداری استفاده می‌کند. به گفته او این فرآیند ترجمه کلمه‌به‌کلمه است که اغلب برای ترجمه مکان‌های مشترک و یا نام سازمان‌ها استفاده می‌شود. وقتی دو یا سه کلمه مرتبط به هم به‌عنوان مثال نام سازمانی را در متن مبدأ تشکیل می‌دهند، در متن مقصد همان کلمات در کنار هم ترجمه شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

(۹) **جایگزینی**^{۲۰}: تغییر یا جایگزینی یک روش ترجمه است که شامل تغییر در دستور زبان در زبان مقصد است. نیومارک در مورد چهار نوع تغییر صحبت می‌کند. به گفته او در

¹⁵ Équivalent fonctionnel

¹⁶ Équivalent descriptif

¹⁷ Synonymie

¹⁸ Calque

¹⁹ Through-translation

²⁰ Déplacement ou transposition

نوع اول این تغییر از نوع مفرد به جمع یا جابه‌جایی صفت است. نوع دوم زمانی ضروری است که ساختار دستوری زبان مبدأ در زبان مقصد وجود نداشته باشد. نوع سوم تغییر در مواردی است که ترجمه تحت‌اللفظی از نظر دستوری امکان‌پذیر باشد؛ اما با کاربرد طبیعی در زبان مقصد مطابقت ندارد. نوع چهارم جایگزینی فضای واژگانی مجازی با ساختار دستوری است. نیومارک معتقد است که جابه‌جایی تنها روش ترجمه مربوط به گرامر است و بیشتر مترجمان ترجمه‌ها را به صورت شهودی انجام می‌دهند.

۱۰) **اصلاحات و گزینه‌های متناوب**^{۲۱}: فرآیند ترجمه با استفاده از ترجمه کامل دستور زبان مبدأ و مقصد.

۱۱) **دگرگون‌سازی یا وارونه‌ش**^{۲۲}: نیومارک توضیح می‌دهد که وینه و داربلنت^{۲۳} اصطلاح دگرگون‌سازی را برای تعریف تنوع دیدگاه ابداع کردند. وقتی زبان مقصد ترجمه تحت‌اللفظی را رد می‌کند، از این فرآیند استفاده می‌شود که تغییر در نقطه‌نظر، دیدگاه و غالباً مقوله ذهنی است؛ مانند به‌کارگیری علت به جای نتیجه، جز به جای کل و تغییر نمادها.

۱۲) **ترجمه شناخته‌شده یا پذیرفته‌شده**^{۲۴}: معمولاً برای هر کلمه، سازمان‌ها از ترجمه‌ای رسمی یا ترجمه‌ای کاملاً پذیرفته‌شده استفاده می‌کنند. طبق گفته نیومارک، استفاده از ترجمه رسمی یا به‌طورکلی پذیرفته‌شده فرآیندی مهم است.

۱۳) **ترجمه موقت (برچسب ترجمه)**^{۲۵}: این روش معمولاً هنگامی صورت می‌گیرد که یک اصطلاح جدید یا معادلی پذیرفته‌شده وجود دارد؛ اما در خاطر مترجم نیست، پس باید به‌طور موقت کلمه مورد نظر در میان گیومه گذاشته شود تا بعد اصلاح و با معادل مناسب جابه‌جا گردد.

²¹ Modifications et alternative

²² Modulation

²³ Vinay et Darbelnet

²⁴ Traduction reconnue/acceptée

²⁵ Traduction temporaire

۱۴) جبران^{۲۶}: این فرآیند هنگامی صورت می‌گیرد که نارسایی معنایی یا نقص در جلوه‌های آوایی و تأثیر کاربردی بخشی از جمله، در قسمت دیگری از جمله یا جمله مجاور آن جبران می‌شود.

۱۵) تجزیه و تحلیل محتوا^{۲۷}: این شامل تجزیه یک واحد واژگانی به مؤلفه‌های معنایی آن است که اغلب شامل ترجمه یک واحد به دو یا سه مؤلفه مجزا است.

۱۶) کاهش و بسط^{۲۸}: به نظر نیومارک، این دو روش با مخدوش کردن ریتم و نظام تشکیل دهنده اثر لطمه زیادی به متن مبدأ وارد می‌کنند. کاهش به معنای حذف کلمه‌ای است که در زبان مقصد ضمنی است (به عنوان مثال: علم زبان‌شناسی ← زبان‌شناسی) و بسط به معنای ترجمه توصیفی است که در آن کلمات بیشتری در زبان مقصد به نسبت زبان مبدأ به کار برده شده‌اند.

۱۷) دیگرنوشت^{۲۹}: عبارت است از به‌گونه‌ای دیگر بیان کردن بخشی از متن. این فرآیند در متونی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ضعیف و نارسا نوشته شده باشند یا معنای تلویحی داشته باشند و نکات مهمی حذف شده باشد؛ به عبارت دیگر منظور از دیگرنوشت، اضافه و تفسیر قسمت نامفهوم یک متن است؛ اما هرگز این روش برای ترجمه متون مهم از جمله متون تاریخی توصیه نمی‌شود.

۱۸) فرآیند مرکب یا تلفیقی^{۳۰}: به ترکیبی از چندین فرآیند برای رفع مشکل ترجمه، فرآیند تلفیقی گفته می‌شود و به‌ویژه اغلب برای کلمات فرهنگی استفاده می‌شوند.

۱۹) یادداشت‌ها، اضافات، توضیحات^{۳۱}: انواع مختلفی از اطلاعات اضافی است که به گفته مترجم، برای درک بهتر متن اصلی لازم است. آنها می‌توانند به صورت توضیح در متن، پاورقی و یادداشت‌های پایان کتاب نوشته شوند. به‌طورکلی توضیحات فرهنگی، فنی یا زبانی هستند که در زبان مقصد وجود ندارند.

²⁶ Compensation

²⁷ Analyse du contenu/ Analyse componentielle

²⁸ Réduction et expansion

²⁹ Paraphrase

³⁰ Procédé intégrés/Stratégie composée (couplet)

³¹ Notes, ajouts, descriptions

۲۰) سازگاری^{۳۲}: سازگاری به معنای استفاده از معادل شناخته‌شده در زبان مقصد است. وقتی موقعیتی که پیام به آن اشاره می‌کند، در زبان مقصد وجود ندارد، باید از وضعیت دیگری استفاده شود که مشابه آن در زبان مقصد وجود دارد.

۲۱) توضیح^{۳۳}: توضیح می‌تواند وام‌واژه یا معادل فرهنگی باشد. برای خواننده نهایی که کلمه اصلی را نمی‌داند، توضیح یک اقتباس محسوب می‌شود. توضیح همواره روش خوبی برای فهم واژه یا مفهومی تازه و ناآشنا برای خوانندگان زبان مقصد است.

۵. بحث و بررسی

تجزیه و تحلیل ترجمه که همان مقایسه متن ترجمه‌شده با متن اصلی است، اگر اولین قدم برای نقد ترجمه نباشد، بی‌شک مهم‌ترین مرحله این کار است. این بررسی بر اساس تقابل عناصر ترجمه و همچنین نحوه ترجمه انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر، مقایسه‌ای بین متن ترجمه و متن اصلی است. در این قسمت نحوه ترجمه متن و روش یا فرآیندهایی را که مترجم رمان مرادی کرمانی، میترا فرزاد، برای انتقال عناصر فرهنگی از زبان مبدأ به زبان مقصد استفاده کرده است، بررسی می‌کنیم و به خصوص نحوه و کیفیت انتقال عناصر فرهنگی را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد.

مثال‌ها:

مقایسه خط به خط متن ترجمه با متن اصلی مثال‌های بسیاری را به دست داد که ذکر همگی آنها بی‌شک از مجال این مقاله و حوصله خوانندگان بیرون است و در نتیجه به مهم‌ترین آنها که بیانگر نقاط قوت و نقاط ضعف و رویکرد کلی مترجم است، اشاره خواهیم کرد.

۱. مترجم بیشتر اوقات برای ترجمه القاب از وام‌گیری استفاده کرده است. کاربرد این روش در چنین مواردی کاملاً قابل قبول است؛ اما چه بهتر که این دست کلمات برای مخاطبان خارجی در پاورقی نیز تعریف شوند تا به این ترتیب قابل درک‌تر باشند. پس استفاده از روش مرکب یا همان تلفیقی (وام‌واژه و توضیحات) به نظر مؤثرتر است.

³² Adaptation

³³ Explication

N°	Procédé	TS	TC
1	Emprunt وام‌واژه	ننه بابا	Nanebaba
		آغ بابا	Aghbaba

۲. خاک‌ها با زور دیواره‌ای می‌سازند که ما به آن «بازه» یا «پشته» می‌گوییم. (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴:

(۹۹)

- La terre crée un mur que nous appelons «Bazeh» ou «Poshte». (Moradi Kermani, 2018 : 158)

N°	Procédé	TS	TC
2	Emprunt وام‌واژه	بازه	Bazeh
		پشته	Poshte

در این مثال نیز جای خالی توضیحات در پانویس احساس می‌شود. گویی مترجم از روی ناچاری به استفاده از وام‌واژه روی آورده است و چندان دغدغهٔ معرفی فرهنگ و آداب متن مبدأ را نداشته است، درحالی‌که استفاده از وام‌واژه یکی از مؤثرترین روش‌ها برای القای حضور دیگری در متن ترجمه است و باید بسیار آگاهانه توسط مترجم انتخاب و به کار گرفته شود.

۳. مثلاً انگلیسی بلغور می‌کند و با صدای ضرب قر می‌دهد. چشم و ابرو می‌آید. با دهانش صدای تفنگ و باد شکم درمی‌آورد و سر هر قر و قمیشی می‌گوید: «ای سوزن امبلیسی و امبلیسی» (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

- Il prétend qu'il parle anglais quand il danse au rythme du tambour. Il bouge ses yeux et lève ses sourcils. Il imite le bruit d'un fusil, puis des flatulences, et après chaque scène dans sa danse, il chante, « oh maigre anglais, maigre anglais ! » (Moradi Kermani, 2018 : 250)

N°	Procédé	TS	TC
3	Naturalisation طبیعی سازی	ای سوزن امبلیسی و امبلیسی	oh maigre anglais, maigre anglais

به نظر می‌رسد در اینجا استفاده از رویکرد طبیعی‌سازی بهترین روش برای انتقال معنا باشد؛ ولی درعین حال کاربرد این رویکرد از میزان طنزی که در این صحنه و وضعیت وجود دارد، می‌کاهد و این جنبه از معنای متن را تا حدی مخدوش می‌کند. شاید مترجم از طریق بازی با اصوات تشکیل‌دهنده کلمه «anglais» یا املاهای غلط و متفاوت آن می‌توانست این جنبه معنایی متن را نیز منتقل کند.

۴. اگر بچه خوبی باشد و ۲۰ بگیرد می‌رود زیر «آفرین» با افتخار می‌ایستد (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴:

۱۷۴).

- Si l'enfant est un bon élève et obtient un « A » il se tient sous le signe « très bon ». (Moradi Kermani, 2018: 236)

N°	Procédé	TS	TC
4	Adaptation سازگاری	۲۰ بگیرد	obtient un « A »

در این جمله متن، مترجم سیستم آموزش کشور فرانسه را اقتباس کرده است؛ علاوه بر این سازگاری، او ترجمه کلمه «آفرین» را که به معنای افتخار است و بر اهمیت این نمره تأکید دارد نیز حذف کرده است. این سازگاری البته به نظر ضروری نمی‌رسد و مترجم می‌توانست به راحتی در پانویس ارزش نمره بیست و معادل آن را به خوانندگان خود معرفی کند. ممکن است در نگاه اول نکاتی از این دست اهمیت چندانی نداشته باشند؛ اما واقعیت این است که توجه به اهمیت نمره بیست در سیستم آموزشی ایران و نزد خانواده‌های ایرانی نکته‌ای بارز از فرهنگ و ذهنیت ایرانی به حساب می‌آید که مترجم حساس به مقولات فرهنگی نباید به سادگی از کنارش گذشته و با سازگاری آن با فرهنگ دیگری امکان رویارویی و شناخت این نکته را از مخاطب فرانسه‌زبان خود دریغ کند.

۵. شب خوبی است از صبح سفیدمهره زده‌اند که همه بیایند.

سفیدمهره صدف بسیار بزرگی است که هر وقت می‌خواهند همه را جلوی حمام جمع کنند، کسی می‌رود روی بام مسجد و در آن فوت می‌کند، صدای هوایی از آن در می‌آورد و همه خبردار می‌شوند (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

-C'est une belle nuit. Ce matin ils avaient sonné la corne de conque pour nous inviter tous à venir. (Moradi Kermani, 2018: 249)

N°	Procédé	TS	TC
5	Équivalent fonctionnel معادل کاربردی	سفید مهره	la corne de conque

با دیدن تعریف ارائه‌شده در ویکی‌پدیا، باید گفت که انتخاب مترجم صحیح است؛ زیرا هر دو واژه کاربرد یکسانی دارند و در این مورد فقط تفاوت‌های ظریف میان دو فرهنگ وجود دارد؛ اما نکتهٔ حائز اهمیت این است که نویسنده برای مخاطبان فارسی‌زبان خود توضیح داده است که سفیدمهره چیست و این توضیح با توجه به کاربرد یکسان معادل آن به صلاح دید مترجم از متن ترجمه حذف شده است، در صورتی که «کاهش» همان‌طور که قبلاً هم در بخش چهارچوب نظری به آن اشاره کردیم، از جمله فرآیندهایی است که باید تا حد امکان از استفاده آن اجتناب کرد.

۶. کله گرگی می‌آید و چیزی می‌خواهد. گلهٔ ما کم است. فقیریم، فقط به او کاسه‌ای شیر می‌دهیم (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۲۹)

- Il y a un chasseur qui tue les loups et vient montrer leurs têtes aux bergers pour obtenir une prime. Il vient chez nous et demande récompense. Mais nous ne possédons pas beaucoup de moutons et nous sommes pauvres. Nous lui donnons juste un bol de lait. (Moradi Kermani, 2018: 208)

N°	Procédé	TS	TC
6	Équivalent descriptif معادل توصیفی	کله گرگی	Il y a un chasseur qui tue les loups et vient montrer leurs têtes aux bergers pour obtenir une prime.

مترجم عبارتی را به متن ترجمه خود اضافه کرده تا بتواند توضیح دهد کله‌گرگی چیست، البته که معادل توصیفی همواره یکی از راهکارهای موجود برای انتقال معناست؛ اما این روش نه تنها صورت و نظام متن را به هم ریخته؛ بلکه مهم‌تر از همه امکان شناخت یک شغل خاص را که نام خاص خود را داراست و بیانگر اهمیت فرهنگ چوپانی و گله‌داری در فرهنگ و متن مبدأ می‌باشد، از مخاطب خود در فرهنگ مقصد می‌گیرد. بنابراین، بهتر این بود که این کلمه در متن فرانسه از زبان فارسی وام گرفته می‌شد و توصیف آن در پانوشت جای می‌گرفت.

۷. چوپانی را دوست دارم. صدای دلنگ دولونگ زنگوله گوسفندها را که توی کوه و دشت می‌پیچد، دوست دارم. دلنشین است. (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۲۶)

- J'aime le son des cloches des moutons. La façon dont elles résonnent à travers les montagnes est apaisante. (Moradi Kermani, 2018: 205)

N°	Procédé	TS	TC
7	Réduction کاهش	صدای دلنگ دولونگ زنگوله گوسفندها	le son des cloches des moutons
	Réduction کاهش	صدای دلنگ دولونگ زنگوله گوسفندها را که توی کوه و دشت می‌پیچد دوست دارم. <u>دلنشین است.</u>	La façon dont elles résonnent à travers les montagnes est apaisante.

بهرتر بود مترجم به جای حذف نام آوای «دلنگ دولونگ»، نام آوای معادل آن را جایگزین کند. در فرانسه از "din din" استفاده می‌شود. در ضمن تغییر ساختار متن مبدأ و نقطه‌گذاری آن ضرب‌آهنگ جملات را کاملاً متفاوت کرده است.

۸. گوسفندی پایش از روی سنگی می‌خزد و پرت می‌شود ته دره، استخوان‌های کتف و گردنش می‌شکند. باید فوری کشته شود وگرنه (حرام) می‌شود (مرادی کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

- Si l'un d'eux glisse sur un rocher et tombe vers le bas de la et falaise et dans la gorge, il se casse le cou ou l'épaule et doit être tue immédiatement. Sinon, la viande serait considérée comme (haram) ou religieusement impure à manger. (Moradi Kermani, 2018: 208).

N°	Procédé	TS	TC
8	Expansion بسط	وگرنه (حرام) می‌شود.	Sinon, la viande serait considérée comme (haram) ou religieusement impure à manger.

در این مثال واژه حرام و تعریف آن توجه را به خود جلب می‌کند. مترجم از اصطلاح دقیق (haram) که وام‌واژه‌ای پذیرفته‌شده در فرهنگ غرب محسوب می‌شود، استفاده کرده و سپس با استفاده از فرآیند بسط شاید بی‌آنکه نیازی باشد معنی این واژه را آورده است.

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، مثال‌هایی از این دست در ترجمه رمان مورد مطالعه فراوانند که تنها به چند نمونه از آن اشاره کردیم تا ذهنیتی نسبت به رویکرد مترجم نزد خواننده این جستار ایجاد کرده و امکان برآورد کیفیت انتقال عناصر فرهنگی و سبک و سیاق اثر را در این ترجمه فراهم آوریم. با بررسی همین چند مثال می‌توان به خوبی مشاهده کرد که مترجم برآنست ترجمه‌ای روان، ساده و قابل فهم به خوانندگان فرانسه زبان خود ارائه کند و در این راستا می‌کوشد تا بیشتر از معادل‌های توصیفی و کاربردی استفاده کند. با رویکرد بسط و کاهش به صلاح دید خود مواردی را حذف یا اضافه کند و یا با طبیعی سازی و سازگاری، متن را تا آنجا که ممکن است، به فرهنگ و زبان مقصد نزدیک کند. و البته در مواردی هم با استفاده از وام‌گیری، ردی از زبان و فرهنگ مقصد در متن ترجمه باقی گذاشته است، بی‌آنکه ویژگی‌های منحصر به فرد این زبان و فرهنگ آن‌طور که باید و شاید در پانویس به مخاطبان معرفی شده باشند.

۶. نتیجه‌گیری

در این تحقیق در ابتدا سعی شد با ارائه جزئیاتی دربارهٔ رمان و نویسندهٔ آن، متن مبدأ را معرفی کنیم و سپس با استفاده از نظریه‌های پیتر نیومارک، محصول نهایی یعنی «ترجمهٔ اثر» معرفی و بررسی شد. با این حال باید در نظر داشت که حتی اگر ترجمه‌ای از نظر ترجمه‌شناسی موفقیت آمیز باشد، هرگز موفق به انعکاس همان هالهٔ احساسی، فرهنگی و عرفی از اثر اصلی نیست که به‌طور عمیق در جامعهٔ مبدأ آن تعبیه شده است.

همان‌طور که می‌دانیم، هر متن بردار ایدئولوژی، متن اصلی، متن هدف و همچنین خود مترجم است. شما که غریبه نیستید، رمانی است براساس زندگی‌نامهٔ نویسندهٔ آن هوشنگ مرادی کرمانی که برای مخاطبان نوجوان در نظر گرفته شده است، پس ایدئولوژی مشخصی در این متن وجود ندارد. نویسنده با زبانی ساده از زندگی دوران کودکی خود می‌گوید، شاید با این هدف که دیگران زندگی او را شناخته و بیاموزند که در شرایط سخت هرگز ناامید نشوند. ظاهراً مترجم نیز با خواندن متن اصلی، براساس همین برداشت که رمان در دست او صرفاً شرح حال یک نویسندهٔ مشهور داستان کودک است و عاری از ایدئولوژی، سبک، ادبیات خاص و یا آرایه‌های ادبی است، در ترجمان خود رویکردی ساده اتخاذ می‌کند که هدفش تنها انتقال همان پیام نویسنده به مخاطب فرانسه زبان می‌باشد. غافل از اینکه رمان هوشنگ مرادی کرمانی سرشار از عناصر فرهنگی است که بیانگر آداب و رسوم مردمان خطه‌ای خاص از سرزمین پهناور ایران است و هدف نویسنده شاید فراتر از انتقال پیامی اخلاقی، به تصویر کشاندن و ثبت همین ویژگی‌های منحصر به فردی باشد که به‌مرور زمان کم‌رنگ شده‌اند و او می‌کوشد تا شاید بتواند آنها را زنده نگه دارد. عدم توجه کافی مترجم نسبت به اهمیت این نقش اثر و نیز نقش یک مترجم در بقای اثر و انتقال این عناصر فرهنگی به مخاطبان فرانسه‌زبان یکی از نقاط ضعف این ترجمه است.

شایان ذکر است که میترا فرزند بیشتر عمر خود را در خارج از کشور گذرانده و اگرچه علاقهٔ زیادی به ادبیات فارسی دارد؛ اما ترجمهٔ متنی در مورد زندگی مردمانی که در یک منطقهٔ خاص در ایران زندگی می‌کنند و آداب و رسوم و اصطلاحات خاص خود را دارند - که گاه برای مخاطبان ایرانی نیز ناشناخته بوده و بنابراین، نویسنده خود از پاورقی و گاه توصیفات و توضیحات استفاده می‌کند تا متن را برای همهٔ مخاطبان خود قابل فهم کند - بدون شک مأموریتی دشوار است و از این رو نباید تلاش مترجم در یافتن معادل مناسب برای برخی کلمات فرهنگی را نادیده گرفت.

همان‌طور که بررسی شد، مترجم سعی می‌کند متن ترجمهٔ خود را تا آنجا که ممکن است، به فرهنگ و زبان مقصد نزدیک کند و هنگام ترجمه از کلماتی که در فرهنگ هدف وجود داشته، استفاده کند و یا از روش سازگاری و طبیعی‌سازی استفاده کند. در شرایطی نیز که معادل‌سازی در متن هدف کافی به نظر نمی‌رسد،

از روند بسط و توضیح استفاده می‌کند. مترجم از انواع مختلف معادل‌ها بسیار استفاده کرده است؛ معادل‌های فرهنگی، کاربردی، توصیفی و غیره؛ اما بیش از همه از معادل کاربردی در این ترجمه استفاده شده است. رویه معروفی که گاهی در مورد کلمات فرهنگی اعمال می‌شود؛ یعنی استفاده از کلمه‌ای خنثی و آزاد از بار فرهنگی که معنی را تعمیم می‌دهد و البته در مواردی هم با استفاده از وام‌گیری، ردی از زبان و فرهنگ مقصد در متن ترجمه باقی گذاشته است. پس نکته آخر که حائز اهمیت فراوانی می‌باشد، این است که مترجم گاهی تمایلات مبادگرایانه از خود نشان می‌دهد و گاه به‌عنوان یک مقصدگرا عمل می‌کند که نشان می‌دهد او هنوز در حرفه مترجم هویت یا رویکرد مشخص و دقیقی اتخاذ نکرده است؛ اما به دلیل استفاده از معادل‌های کاربردی می‌توان گفت ترجمه او به سوی ترجمه‌ای مخاطب‌محور و یا مقصدگرا متمایل است. او مترجمی تجربی است که معمولاً هدف از ترجمه را صرفاً انتقال صحیح پیام یا همان معنای کلام می‌داند، بی‌توجه به صورت و دیگر ارکان تشکیل‌دهنده یک متن و این همان چیزی است که یک متخصص نقد ترجمه می‌تواند به‌خوبی در این کار مشاهده کند.

امید است پژوهش انجام‌شده توانسته باشد با معرفی آراء پیتر نیومارک و اجرای آنها در مطالعه ترجمه‌شناختی ترجمه یک رمان از فارسی به فرانسه، کمکی به پیشبرد اهداف مطالعات حوزه ترجمه در ایران بکند و همچنین با ارائه راهکارهای عملی راه دشوار انتقال عناصر فرهنگی در ترجمه را برای مترجمان جوان تا حدی هموار سازد تا بتوانند با اتخاذ رویکردی مناسب کیفیت کار ترجمه خود را بهبود بخشند و به معرفی غنای فرهنگ ایرانی به دیگری نائل آیند.

منابع

- حقانی، رضا. (۱۳۸۶). نظرها و نظریه‌های ترجمه. تهران: امیرکبیر.
- روشن، بلقیس. و افراه، روح الله. (۱۳۹۱). ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در اشعار سهراب و فروغ با تکیه بر چهارچوب نظریه نیومارک. مطالعات نظری ترجمه، ۲، صص ۱۳-۳۴.
- روشنفکر، کبری. (۱۳۹۲). چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در رمان اللص والکلاب نجیب محفوظ؛ مقایسه دو ترجمه با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۳ (۸)، صص ۱۳-۳۴.
- علی‌زاده، علی. (۱۳۸۹). مقوله‌ها و عناصر فرهنگی و چگونگی ترجمه آنها در گنسی بزرگ. پژوهش‌های ادبیات معاصر، ۱۵، صص ۵۳-۷۴.

کیادربندسری، فاطمه. و صدقی، حامد. (۱۳۹۶). چگونگی ترجمه‌پذیری عنصر فرهنگی نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم در ترجمه‌های عربی به فارسی با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک». ادب عربی، ۹، صص ۱۱۹-۲۱۶.

مرادی کرمانی، هوشنگ. (۱۳۸۴). شما که غریبه نیستید، تهران: معین.

مهدوی، وجیهه‌سادات. و آیتی، اکرم. (۱۳۹۸). ترجمه فرانسوی اصطلاحات و مقوله‌های فرهنگی عادت می‌کنیم اثر زویا پیرزاد براساس دیدگاه مونا بیکر و پیتر نیومارک. پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانس، ۲ (۲). صص ۱۸۴-۱۵۷.

میرعلایی، مسعود. (۱۴۰۰). «هوشنگ مرادی کرمانی». سوم آذرماه ۱۴۰۰ بازیابی از: Ketabak.org/640ge

نیومارک، پ. (۱۳۸۶). دوره آموزش فنون ترجمه. ترجمه فهیم، م، سبزیان. تهران: رهنما.

همشهری آنلاین. (۱۴۰۰). «هوشنگ مرادی کرمانی». سوم آذرماه ۱۴۰۰ بازیابی از: hamshahrionline.ir/news/44770

Eunbong, J. (2013). *Étude des conceptions théoriques de deux traductologues anglophones, Peter Newmark et Eugène Nida, à la lumière de la théorie interprétative de la traduction*, HALL.

Katan, D. (1999). *Translating cultures an introduction for translators, interpreters and mediators, Traduire les cultures: une introduction pour les traducteurs, les interprètes, et les médiateurs*. Manchester ; St. Jerome.

Kramsch, C. (1998). *Language and culture, La langue et la culture*. Oxford ; Oxford University Press.

Le Petit Larousse Illustré. (2009). Paris : Larousse

Lefevre, A. (ed.). (1992). *Translation, history and culture, La traduction, l'histoire et la culture*. London ; Routledge.

Moradi Kermani, H. (2018). *Vous n'êtes pas sans savoir*, Mithra Farzad, England ; Candle and fog.

Newmark, P. (1981). *Approaches to Translation*, Prentice-Hall; United, New York.

Newmark, P. (1988). *A textbook of translation, UN Manuel de traduction*. New York; prentice Hall.

Nida, E. (1964). *Principles of correspondence*. In L. Venuti (ed.), *The translation studies reader*. London: Routledg.

Nida, E. (1964). *Toward a science of translating*. Leiden: E. J. Brill.

Nida, E-A., & Tabar. Ch-R. (1969). *The Theory and Practice of Translation*, Leiden, E. J. Brill.

Pourmazaheri, A. (2017). *Translation and social-cultural particularities: Of the feasibility of the transfer of cultural elements in Jalal Al-Ahmad's novels* », *Estudios Románicos*, Volume 26.

- Velic, A. (2017). *Les néologismes dans le cycle Harry Potter et leur traduction en français et en croate*.
- Vinay, J-P., & Darbelnet, J. (1958). *Stylistique comparée du français et de l'anglais : méthode de traduction*. Paris ; Didier.